

نگاه منتقد و رایتی به فیلم «ملبورن»

بازتاب ظرفیت‌های بالای سینمای ایران در یک فیلم تحسین‌برانگیز

«ملبورن» (Melbourne) فیلمی برجسته از نیما جوادیدی کارگردان فیلم اولی ایرانی است که به‌واسطه منطق جهان شمول تحسین‌برانگیز و سراسر گرایش موانع فرهنگی را پشت سر می‌گذارد و از آن فراتر می‌رود، اما چرا یک فیلم ایرانی باید عنوانی استرالیایی داشته باشد؟ فیلم به طرز گمراه‌کننده‌ای عنوان «ملبورن» را پدیک می‌کشد؛ شهری که فرسنگ‌ها از ایران فاصله دارد و مانند «قاره هفتم» می‌شامل هانگ‌کونگ، صر فامتضمن ایده‌های انتزاعی است. در واقع، فیلم سودای یک زندگی تازه و به دور از بگو مگو و استرس را مطرح می‌کند که با زندگی عذاب‌آور کنونی زوج محوری داستان زمین تا آسمان تفاوت دارد.

بخش عمده‌ای از داستان فیلم تکان دهنده نیما جوادیدی در آپارتمانی در تهران رخ می‌دهد. نخستین فیلم بلند سینمایی این کارگردان ایرانی به طرز بی‌باوری فرض منطقی نیرومند و قابل دفاع دارد و مخاطب را دعوت به اندیشیدن و هم‌ذات پنداری با کاراکترهای فیلم می‌کند.

فیلم روایتگر ماجرای زندگی زوجی است که ظاهرآ به طبقه متوسط جامعه ایرانی تعلق دارند و قصدشان این است که برای ادامه تحصیل به ملبورن سفر کنند. اما تنها چند ساعت پیش از پروازشان، ناخواسته درگیر حادثه‌ای ترافیکی می‌شوند. در سکانس آغازین در حالی که امیر و سارا مشغول جمع آوری وسایل و بستن



چمدان‌هایشان هستند، یک کارگر زن سراسیمه را می‌بینیم که برای مصاحبه به آپارتمان آن‌ها می‌آید و ما می‌فهمیم که این زن و شوهر قرار است سه سال آینده را دور از ایران در ملبورن بگذرانند. کاراکترها می‌آیند و می‌روند، از جمله زنی جوان (کسی که به‌وضوح از اعضای فامیل است اما نسبت واقعی‌اش هرگز مشخص نمی‌شود) که نسبت به حضور نوزادی در اتاق خواب پشتی اعتراض می‌کند، اما کودکی که در خانه‌ای زن و شوهر است، فرزند همسایه است که پرستارش از سارا در خواست کرده چند ساعتی مراقب تنهایی کوچک باشد؛ آن هم در روزی که حواس سارا به کل پرت کارهای دیگر است. بعد، ناگهان در دست‌وسه این‌ها گیر و آگیر، ورق

نگاهی به ۱۳ فیلم تبلیغاتی جالب تاریخ سینما

ماعلیه آن‌ها

قدرت سینما در جذب مخاطب از زمان‌های بسیار دور به عنوان ابزاری در خدمت اهداف تبلیغاتی به کار رفته است. القای ایده‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی به مخاطب به‌واسطه تکنیک‌هایی که دخیل و تصرف‌پذیر و بی‌گناه از نظر روانشناسی و باطنی است، تبدیل می‌شود و از این طریق جهان تا کنون آبادی این قبیل آثار می‌توانند به هولناک‌ترین قیام‌بشری روی زمین بینجامند. فیلم‌های تبلیغاتی از مغالطه‌های پهلوان پنبه‌ای، قهرمانان روبین تن، تپه‌کاران هیولاگونه، بیکرنگاری و غیره روایت‌های ساده‌انگارانه «ماعلیه آن‌ها» استفاده می‌کنند تا پیام یک دولت، گروه یا حتی یک فرد را با دستور کاری مشخص به فروش برسانند. پروپاگاندا، پروپاگانداست چه شخصاً یا پیام آن موافق با شنیدنی باشد چه نباشد؛ این قبیل فیلم‌ها به‌واسطه خودآید، بلکه به‌واسطه شیوه ضمنی که در مطرح کردن ایده‌های مختلف به کار می‌گیرند معنا و تعریف می‌شوند. در ادامه این مطلب بعضی از نمونه‌های جالب‌تر این ژانر را از خلال تاریخ فیلمسازی بررسی کرده‌ایم تا انواع گوناگون پروپاگاندا را با هدف افزایش آگاهی از چگونگی کاربرد چنین آثاری مشخص کنیم.

«راکی ۴» / (Rocky IV)

«راکی» مجموعه فیلم‌های نمادین آمریکایی که در زمان خود آن‌طور که باید و شاید دیده‌نشده، در چهارمین قسمت خود با هنرنمایی سیلور استالونه در نقش راکی بالقهرمان اصلی فیلم (که علاوه بر بازی، کارگردانی و نویسندگی فیلم را نیز بر عهده داشت)، موفق‌ترین فیلم داستانی فاصله‌می‌گیرد تا از این طریق یک ماشین مشت‌زنی بی‌عاطفه (دولف‌اوندگرن) را به تصویر بکشد کسی که بهترین رفیق را کی در رینگ مسابقات به قتل می‌رساند.



«تاپ گان» (Top Gun)

نام کرور در این فیلم نقش یک خلبان جنگی را ایفا کرده که می‌آموزد تک‌توری و فرودگاری‌اش را کنار بگذارد تا بتواند به یکی از مهره‌های کلیدی یک ناوگان نخبه‌ی کوشش بدل شود. این درام اکشن آمریکایی به کارگردانی تونی اسکات تصویر بی‌باورانه‌ای از نیروی دریایی ارتش آمریکا را به نمایش می‌گذارد.

«دیکتاتور بزرگ» (The Great Dictator)

چارلی چاپلین با هنرنمایی در نقش دلقکی دیوانه‌به‌نام «دونوید هینکل» در «دیکتاتور بزرگ» کوشیده تقلید مضحکی از آدولف هیتلر را به نمایش بگذارد. این فیلم ۱۳۴ دقیقه‌ای یک کم‌دی خنده‌دار است که کم‌دین در برابر شیوه مداخله‌جویی آمریکا در امور بین‌المللی می‌بیند. ماجرای فیلم، در عرض چندساعت در غروب یک روز معمولی رخ می‌دهد. پیتر سارزرا بازیور سینت‌بن گازارا، پت هینکل و رابرت شاولز دیگر ستارگان این فیلم تبلیغاتی هستند که نادرست بودن شیوه برخورد قهرمان فیلم با مسائل را به‌اوشان می‌دهند.

«جنون ماری جوانا» (Reefer Madness)

لوئی ژوزف گانیه فیلمساز آمریکایی فرانسوی تبار این فیلم تبلیغاتی که بودجه رادر نیمه دوم دهه ۱۹۳۰ کارگردانی کرد، گانیه تصویر کور کاندسه و کارتون‌وار از دو نوجوان بی‌خطر را به نمایش می‌گذارد که پس از مصرف اندکی مواد مخدر به کل دچار جنون می‌شوند. بنا بر ادعاهای «لس آنجلس تایمز»، این اثر تبلیغاتی، نخستین فیلمی است که نسلی از تماشاگران سینما از این عنوان «بدترین» اثر سینمایی یاد کرده‌اند. لیونارد مانتین این فیلم را پدر جرد «بدترین» فیلم‌های تمام دوران ها توصیف کرد.

«سحرگاه سرخ» (Red Dawn)

فیلم «سحرگاه سرخ» به کارگردانی جان میلیوس حضور مجموعه‌ای از ستارگان جذاب زمان خود از جمله پاتریک سوسولای، چارلی شین، سی‌تاس هاول، لیلی تامپسون و جنیفر کری در ۱۹۸۴ روی پرده رفت. این درام جنگی آمریکایی، چریک‌های مبارزی را به تصویر می‌کشد که پس از حمله موفق روسیه کمونیستی به ایالات متحده، وارد این کشور شده‌اند. پیام این فیلم تصویری از سربازان کمونیست را به نمایش می‌گذارد که در حال قتل و غارت حومه شهرها هستند و همچنین فدائی‌های مولود آماتیک را از سوی قهرمان فیلم نشان می‌دهد که در وهله اول مضحک به‌نظر می‌رسد. اما در حقیقت تصویرگری ریایی محض است.

«خانم منی‌نور» (Mrs. Miniver)

این درام جنگی رمانتیک با نقش‌آفرینی ستاره‌هایی همچون گریر گارسون و والتر پیچین در نقش کاراکترهای اصلی فیلم، توانست جایزه اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی (ولیم وایلی) را از آن خود کند. فیلم روایتگر داستان زندگی یک خانواده معمولی بریتانیایی است که در جریان واقعه «هلبلس» ازمباران هوایی ناگهانی آلمان نازی علیه بریتانیا در جریان جنگ جهانی دوم آتلش می‌کنند. روحیه‌شان را از دست ندهند. «خانم منی‌نور» یک فیلم تأثیرگذار تبلیغاتی بود که آثار منفی جنگ جهانی دوم را بر زندگی مردم معمولی و همچنین سربازان به تصویر می‌کشید.

«سرودی برای کریسمس دیگر» (A Carol for Another Christmas)

جوزف ال. منکویتس کارگردان «همه چیز درباره ایسو»، این فیلم تلویزیونی را با همسکاری راد استرلینگ‌گیلم نامنویس و پرستار رمان کوتاه «سرود کریسمس» اثر چارلز دیکنز، در ۱۹۶۴ کارگردانی کرد. درام جنگی، فانتزی «سرودی» برای کریسمس دیگر «به‌عنوان یک فیلم تبلیغاتی در حمایت از سازمان ملل متحد ساخته شد. استرلینگ‌هیند نقش یک آدم‌مهم و با نفوذ را در این فیلم ایفا کرده است؛ کسی که در برابر شیوه مداخله‌جویی آمریکا در امور بین‌المللی می‌بیند. ماجرای فیلم، در عرض چندساعت در غروب یک روز معمولی رخ می‌دهد. پیتر سارزرا بازیور سینت‌بن گازارا، پت هینکل و رابرت شاولز دیگر ستارگان این فیلم تبلیغاتی هستند که نادرست بودن شیوه برخورد قهرمان فیلم با مسائل را به‌اوشان می‌دهند.

«جامانده» (Left Behind)

مجموعه فیلم‌های «جامانده» که باز تولید اخیر آن باعث درخشش دوباره نیکلاس کیج بر پرده سینما شد، یک تریلر آخرالزمانی است که در آن ویکی آرمسترانگ آن را کارگردانی کرده است. فیلم ماجرای ناپدید شدن تمام مؤمنان مسیحی سراسر جهان را به تصویر می‌کشد. این حادثه سبب می‌شود تمام کافران به اشتباهاتشان اعتراف کنند و در باورهایشان به خدا تجدیدنظر کنند.

چنین بلای سر دخترک بی‌باور؟ یا پدری اینکه می‌تواند به سبب سهل‌انگاری آن دو جانش را از دست داده و حالا آن‌ها مسئول مرگ دخترک هستند؟

معاد و جواهریان آن قدر بازیگران خوبی هستند که مخاطب را کاملاً درگیر اثبات بی‌گناهی‌شان می‌کنند. جوادیدی به‌واسطه نخستین فیلمش، ظرفیت‌های عظیم سینمایی ایران را به نمایش گذاشته و با تکیه بر فیلمنامه قوی و دو کاراکتر محوری اش، امیر (با بازی پیمان معادی) و سارا (با نقش‌آفرینی نگار جواهریان) اثری تحسین‌برانگیز خلق کرده است.

منبع: ویرایتی

سه‌گانه «اتلس شرآگد» (Trilogy The Atlas Shrugged)

فیلم سه قسمتی «اتلس شرآگد» یک سه‌گانه سینمایی است که بین سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ با اقتباس از رمانی با همین عنوان (به قلم این رند) ساخته شد. این مجموعه سه قسمتی به دلیل کیفیت پایین تولید و در بیشتر موارد دزای‌های غیرحرفه‌ای بازیگران، به‌طور گسترده‌ای واکنش منفی منتقدان روبه‌رو شد. با این حال، فیلم حامل پیامی دوقطبی است: از یک سو صنعتگران را قهرمانانی معصوم و بی‌گناه نشان می‌دهد و از سوی دیگر مقامات دولتی را به عنوان خائنانی مزخرف‌گو و تشنه قدرت با برنامه‌های سوسیالیستی غیر قابل دفاع و نام‌های حماقت آمیزی مانند «لوزی موس» به تصویر می‌کشد.

«رزمنوا پوتمکین» (Battleship Potemkin)

فیلم حماسی تبلیغاتی سرگنی ایزنشتاین که ساخت آن به ۱۹۲۵ بازمی‌گردد، از خیلی جنبه‌ها در زمان خودش اثری انقلابی محسوب می‌شد. فیلم روایتگر شورش علیه رژیم تزاری حاکم روسیه است که به‌دست‌مدانی که بر عرشه رزمنوا پوتمکین حضور دارند، انجام می‌شود. حوادث داستان از آنجا آغاز می‌شود که وقتی مردان روی عرشه‌اش خوردن گوشت‌های فاسد خودداری می‌کنند، به‌اعدام محکوم می‌شوند و به این ترتیب کشتاری خونین در می‌گیرد که در جریان آن از مرد وزن و بچه گرفته همگی بر بله‌های شهر بندری آداسلاخ می‌شوند. به‌علاوه، فیلم از تکنیک‌های جدید و پیشگامانه تدوین به‌منظور برانگیختن واکنش عاطفی تماشاگر سودبرده است. اتفاقی که از آن زمان به بعد تقریباً تمام فیلم‌های سینمایی را تحت تأثیر قرار داد.

«روز پس از فردا» (The Day After Tomorrow)

رولند امریش، فیلمساز، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده آلمانی به هیچ‌وجه با تکنیک‌های ساخت فیلم‌های تبلیغاتی بیگانه نیست چه بسا «روز پس از فردا» را باید مهم‌ترین اثر هنری این کارگردان آلمانی به‌شمار آورد. امریش در این فیلم ۱۲۴ دقیقه‌ای، قیامتی را به‌نمایش می‌گذارد که تنها در مدت چند روز روی کره زمین به پای می‌شود و به‌علت تغییرات آب‌وهوایی فاجعه‌آمیز، دوران تازه «صحرای یخبندان» آغاز می‌شود. ساخت این فیلم، در تورنتو مونترآل کانادا انجام شده و به‌لحاظ آماری فروش‌ترین فیلم‌های تولیدی است که تا امروز در کانادا ساخته شده است. اگر چه اصل اساس فیلم مضحک به‌نظر می‌رسد، اما فیلمبرداری صحنه‌های آن به‌طوری فوق‌العاده درخشان است. امریش پیش‌تر گفته بود که کاراکترهای رئیس جمهور و معاون رئیس‌جمهور در فیلم در انتقاد نه‌چندان نرم از سیاست‌های زیست‌محیطی دوران ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش طراحی شدند.

«پیروزی اراده» (Triumph of the Will)

مسئند «پیروزی اراده» به کارگردانی لنی ریفتشال درباره تجمع حزب نازی در ۱۹۳۴ در نورمبرگ است که به‌منظور تحلیل از رایش سوم انجام شد. آدولف هیتلر شخصاً به ریفتشال اختیار داده بود تا از این تجمع مستندی تهیه کند و نتیجه آن ساخت فیلمی بود که دیدگاتور قرن بیستم آن را «تجلیل قدرتمند و زیبایی جنبش مابه‌شوه‌ای کاملاً بی‌همتا و رقیب» توصیف کرد. این فیلم به‌عنوان یکی از بدنام‌ترین نمونه‌های فیلمسازی سلحشورانه که به عاقبتی هولناک منجر می‌شود، در خاطره تاریخ باقی ماند.

«سربازان سفینه ستاره پیما» (Starship Troopers)

اقتباس پل وروفن از کتاب کلاسیک علمی-تخیلی رابرت هایلین، با بازیوان کزن تپیل اصلی کتاب که طرفداری از نظامی‌گری است، همانند فیلم «سربازان سفینه»، به‌فیلمی تبلیغاتی تغییر داده شد که کاملاً اثری از پرورد محسوب می‌شود؛ به‌طوری که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را جدی بگیرد.

خبر روز

انتقاد فیلمنامه‌نویس «پرستیژ» از کریستوفر نولان

کریستوفر پرست نویسنده بریتانیایی علاقه زیادی به بلاکباسترهای کریستوفر نولان فیلمساز هم‌وطن خود ندارد. او خالق رمان پرفروش «پرستیژ» (۱۹۹۵) است که نولان سال ۲۰۰۶ فیلمی به همین نام با بازی هیو جکمن و کریستین بیل در نقش دو شعبده‌باز رقیب از روی آن ساخت. پرست به تازگی در گفت‌وگو با یک وب‌سایت فرانسوی از سه‌گانه بسیار موفق «شوالیه تاریکی» نولان انتقاد کرد و آن را «هلل‌آور و متظاهرانه» نامید. به‌اعتقاد پرست، باقی فیلم‌های نولان «بجز «یادگاری» و همین فیلم «پرستیژ» اثری سطحی هستند که فیلمنامه‌های خیلی بدی دارند و در مجموع باعث خجالت هستند. پرست درباره سه‌گانه «شوالیه تاریکی» گفت: «اینکه ابرقهرمان را برداری و او را در قلمرو رئالیسم روان‌شناختی بگذاری، کار اشتباهی است. چیزی به‌نام رئالیسم روان‌شناختی نداریم. او در واقع یک بدن‌ساز است که از ساختمان‌ها باپاین می‌پرد. متأسفانه، اما واقعا با این نگاه مشکل داریم». پرست در نهایت یک توصیه برای نولان دارد: «او سعی می‌کند یک جورهایی نسخه مدرن استنلی کوپرک باشد. من فکر می‌کنم برای او بهتر است، نسخه مدرن آلفرد هیچکاک باشد و فیلم‌های خوش‌ساختی مانند «یادگاری» و «پرستیژ» بسازد. این بلاکباسترها خجالت‌آور هستند.»

برخورده کوتاه

جیک جیلنهال در نقش یک مشت‌زن چپ‌دست

جیک جیلنهال این‌روزها فیلم تحسین‌شده «شیشیز» را روی پرده سینماها دارد و برای بازی‌اش نقش یک تصویرپرداز غیر طبیعی در این فیلم ۲۵ پوند (۱۱.۳ کیلو) وزن کم کرد. او این‌روزها برای بازی در نقش یک مشت‌زن میان‌وزن در فیلم «مشت‌زن چپ‌دست» (Southpaw) حدود ۱۵ پوند (۶.۸ کیلو) اضافه‌وزن پیدا کرده است. بازیگر ۳۳ ساله لس‌آنجلسی در این فیلم نقش بلی‌هوپ قهرمان مشت‌زنی را بازی می‌کند که پس از یک تراژدی شخصی همه چیز خود را از دست می‌دهد و برای بازگشت به دورن اوج باید مبارزه کند. این فیلم را آنتوان فوکوواژ روی فیلمنامه‌ای نوشته «کرت زوت» کارگردانی می‌کند. «مشت‌زن چپ‌دست» ۱۵ اکران می‌شود، اما تاریخ دقیق اکران فیلم مشخص نیست. فورست ویکر، ریچل مک‌دام، ناتومی هریس از دیگر بازیگران این فیلم هستند. آنتوان فوکوواژ گردان «مشت‌زن چپ‌دست» امسال تریلر جنایی «اکولایزر» با بازی دنزل واشنگتن را روی پرده سینماها داشت. او کارگردان فیلم «روز آموزش» است که سال ۲۰۰۲ جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را برای واشنگتن به همراه داشت. «قاتلان جایگزین»، «طعمه»، «شک‌های خورشید»، «شاه از تور»، «تیرانداز» و «لمبوس فرو ریخت» از دیگر ساخته‌های فوکوواژ است.



عکس نوشت

آقای ترن» در سینما

فیلم تحسین‌شده «آقای ترن» به کارگردانی مایک لی ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر) در سینماهای آمریکای شمالی اکران می‌شود. تیموتی اسپال بازی بریتانیایی، ماه‌مه پیش در جشنواره فیلم کن برای بازی در این فیلم جایزه بهترین بازیگر مرد دریافت کرد. او در این فیلم نقش ج.ام. دلبلیوترترن، نقاش بریتانیایی در اوایل قرن نوزدهم را بازی می‌کند. «آقای ترن» به‌عنوان یکی از قبایلی جدی فصل جوایز سینمایی امسال یاد می‌شود.